



بی نشانی قبر حضرت زهرا(س) علامت سؤالی پیش روی مسلمانان در قرون مختلف

بی نشانی قبر حضرت زهرا(س) همواره می تواند مسلمانان آگاه را به چو و چرا واداشته و این پرسش را پدید آورد ...

خبرگزاری مهر - بی نشانی قبر حضرت زهرا(س) همواره می تواند مسلمانان آگاه را به چو و چرا واداشته و این پرسش را پدید آورد که پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) چه حادثه ای رخ داد که آن حضرت به شدت از اغلب اصحاب و توده های همراه آنان رنجیده خاطر و رویگردان شد، به گونه ای که حاضر نشد آنان حتی در تشییع جنازه وی هم شرکت کنند؟
مقدمه

شاید برای هر مسلمانی این پرسش پدید آید که چرا مزار فاطمه زهرا(س) همچنان بی نام و نشان است. بانویی که بیش از هر کس دیگری محبوب پیامبر(ص) بود، به گونه ای که براساس روایات شیعه و سنی، رسول خدا(ص)، وی را ««#ام ابیها» و ««#پاره تن خویش» و آزار و اذیت او را مایه رنجش و آزار و اذیت خویش خواند. هرگاه پیامبر خدا به سفر می رفت، فاطمه(س) آخرین فردی بود که با وی وداع می کرد و در بازگشت نیز نخستین کسی بود که رسول خدا(ص) به دیدار وی می شتافت.

فاطمه(ع) از منظر قرآن کریم نیز جایگاهی بس بلند و بی همتا دارد. به اتفاق شیعه و سنی وی بدون شک یکی از برجسته ترین افراد ««#اهل بیت» و ««#ذوی القربی» است که قرآن کریم به طهارت و پاکی، محبت و دوستی و رعایت حقوق آنان تأکید می کند. حال با این همه تأکید و توصیف مناقب و فضایل این بانوی بزرگ و اول اسلام است، چرا هیچ نشانی از قبر آن یادگار گرمی و دردانه پیامبر(ص) بر جای نمانده است؟ چگونه است که مسلمانان جزئی ترین مسائل مربوط به برخی افراد، اماکن، حوادث و دیگر چیزهای مربوط به صدر اسلام را که اغلب به مراتب اهمیت کمتری دارند، به دقت در منابع تاریخی و حدیثی خویش ثبت و ضبط کرده اند، اما نشان دقیق و روشنی از مزار و مرقد دختر درانه رسول خدا در دست نیست؟ فارغ از صحت و سقم دیدگاه ها و گزارش های موجود در این زمینه، گروهی محل دفن او را قبرستان بقیع، شماری میان مزار و منبر پیامبر(ص) و دسته ای دیگر درون خانه خود آن بانوی گرمی دانسته اند که بعدها در زمان عمر بن عبدالعزیز و با توسعه مسجد نبوی، درون آن قرار گرفت، اما محل دقیق دفن در کجای این سه مکان قرار دارد، گزارش و روایت معتبری در این باره وجود ندارد و به درستی روشن نیست.

اصرار بر پنهان ماندن قبر فاطمه(س)

موضوع مهمتر و شایان توجه این که براساس گزارشهای حدیثی و تاریخی، امام علی(ع) بعد از آنکه فاطمه زهرا(س) را شبانه و مخفیانه به خاک سپرد، آثار قبر وی را کاملاً از بین برد تا به هیچ وجه جز برای کسانی که در مراسم تشییع حاضر بودند، شناخته نشود. آن حضرت افزون بر اینکه قبر فاطمه(س) را همسطح زمین قرارداد، در اطراف آن هفت و بنا به نقلی دیگر چهل قبر صوری و ظاهری درست کرد تا امکان شناسائی محل دفن زهرا(س) به کلی از بین برود. امام علی(ع) فردای آن شب حتی با برخی تلاش های صورت گرفته برای شناسایی و نبش قبر فاطمه (س) به شدت برخورد کرد. توضیح این که مسلمانان در پی آگاهی از دفن شبانه دختر پیامبر(ص) و محروم شدن از حضور در مراسم کفن، دفن و نماز وی، در کنار قبرستان بقیع اجتماع کرده و خود را به این سبب مورد ملامت قرار دادند. برخی از یاران نامی پیامبر(ص) از جمله خلیفه دوم بر آن شدند که به وسیله زنان، قبرها را شکافته و ضمن شناسائی قبر فاطمه(س) خود بر پیکر وی نماز بخوانند، ولی امام علی(ع) تهدید کرد که اگر چنین کاری کنند، خون آنان را بر زمین خواهد ریخت و آنها در پی این تهدید منصرف شدند.

تلاش برای پنهان ماندن قبر زهرا(س) در دوره های بعدی تاریخ نیز ادامه یافت و محل آن همواره مورد اختلاف بود. براساس برخی گزارش ها، همه کسانی که از محل دفن دختر پیامبر(ص) آگاه بودند، تا حدود سال شصت هجری از دنیا رفته بودند و فقط زنی به نام رقیه، کنیز خود حضرت زهرا(س) باقی مانده بود. از پیشوایان معصوم شیعه(ع) نیز که قطعا از محل دفن آگاه بودند، روایت معتبری در این زمینه وارد نشده است، البته براساس روایتی از امام رضا(ع) آن حضرت را در خانه خود دفن کردند، اما این روایت با روایات دیگری که محل دفن وی را قبرستان بقیع یا میان منبر و مرقد پیامبر(ص) می داند تعارض دارد و قابل استناد نیست. بنابراین می توان نتیجه گرفت که ائمه معصوم شیعه(ع) عمداً و براساس مصالحی محل دفن حضرت زهرا(س) را برای عموم روشن نکرده اند. نکته دیگر این که حتی براساس رویای صادقه برخی از علمای بزرگ مانند پدر آیت الله مرعشی نجفی، پنهان ماندن قبر حضرت زهرا(س) براساس حکمت و مصلحت الهی است و همچنان باید پنهان بماند.

در این باره چند احتمال قابل طرح و بررسی است:

2- فراموشی در گذر ایام. شاید کسی مرور زمان و فراموشی راویان را سبب گم گشتن قبر فاطمه(س) بداند. در حالیکه چنین عاملی نمی تواند در این باره دخیل باشد، چرا که محل دقیق قبر خلیفه اول و دوم در کنار مرقد مطهر پیامبر اسلام(ص)، مزار همسران و نیز دیگر دختران رسول خدا(ص)، فاطمه بنت اسد(مادر امام علی(ع))، چهار تن از امامان شیعه(ع) و افراد متعدد دیگری در قبرستان بقیع همچنان معلوم است. همچنین مزار حضرت حمزه(ع) و دیگر شهدای احد در دامنه کوه احد کاملاً معلوم و پابرجاست و مورخان و محدثان نیز در کتابهای خود به ثبت و ضبط آن پرداخته اند، و این در حالی است که شماری از این افراد پیش از فاطمه زهرا(س) رحلت کرده و دفن شده اند. در ثانی نکته مهمتر اینکه افزون بر مدفن افراد و شخصیت‌های یاد شده، جزئیات بسیاری از حواث، اماکن، هویت و ویژگی شخصیت‌ها و بسیاری از چیزهای دیگر به صورت مفصل و دقیق در منابع تاریخی و حدیثی مسلمانان گزارش شده است، با اینکه بسیاری از این موارد در مقایسه با محل دفن بانوی نخست اسلام به مراتب اهمیت و ارزش کمتری دارند. پس چرا این موارد به فراموشی سپرده نشده است؟ بنابراین، چنین عاملی نمی تواند موجب گم گشتگی شود.

2- هراس از هتک حرمت: شاید کسی احتمال دهد که چه بسا ترس و هراس از هتک حرمت دختر پیامبر(ص) سبب دفن مخفیانه آن حضرت و پنهان نگه داشتن قبر وی بوده است، همان گونه که چنین عاملی سبب شد خود امام علی(ع) را مخفیانه به خاک سپرده شود و مرقد و مزار وی تا زمان هارون الرشید جز برای افرادی خاص معلوم نبود. اما چنین احتمالی نیز پذیرفتنی نیست؛ چرا که اولاً شرایط جامعه اسلامی و شهر مدینه در زمان رحلت دختر پیامبر(ص) با شرایط آن در سال چهل هجری که امام علی(ع) به شهادت رسید کاملاً متفاوت بود.

در زمان شهادت علی(ع) گروهی بسیار متعصب به نام خوارج از میان پیروان خود آن امام همام پدید آمده بودند. خوارج در جریان قضیه حکمیت، آن حضرت را آشکارا متهم به کفر کرده و از وی خواستند که توبه کند. آنان با علی(ع) درگیر جنگ خونین و نافرجامی (جنگ نهروان) شده و در پی شکستی که متحمل شدند، کینه شدیدی از آن حضرت را به دل گرفتند. آنان علی(ع) را یکی از عوامل اصلی نابسامانی جامعه اسلامی و جنگ های داخلی می دانستند و سرانجام بر همین اساس نیز وی را به شهادت رساندند. افزون بر آنها، بنی امیه و پیروان آنها نیز دشمنی و عداوت شدیدی با علی(ع) داشتند. آنها بر اثر تبلیغات گسترده، چنان چهره امام علی(ع) را تخریب کرده بودند که وقتی خبر شهادت وی در مسجد و هنگام نماز منتشر شد، بسیاری پرسیدند: مگر علی(ع) نماز هم می خواند؟! با وجود چنین دشمنان و فضای سنگین تبلیغی بر ضد علی(ع) طبیعی بود که قبر وی مورد هتک حرمت و تعرض قرار بگیرد، اما دختر پیامبر(ص) چنین دشمنانی نداشت و کسی وی را به کفر و بی نمازی و مانند آن متهم نمی ساخت.

در ثانی مخالفان، تا حدود زیادی حساب فاطمه(س) را از امام علی(ع) جدا می کردند. آنان برای ظاهر سازی هم که شده بود، قبر فاطمه(س) را مورد تعرض و هتک حرمت قرار نمی دادند. نکته مهم تر این که اگر چنین عاملی سبب دفن پنهانی فاطمه(س) و مخفی کردن قبر او بود، باید در سده های بعدی تاریخ اسلام و با از بین رفتن بسیاری از ذهنیت‌ها و تبلیغات منفی، همانند قبر علی(ع)، محل دفن حضرت زهرا(س) نیز به آگاهی عموم می رسید، در حالی که هرگز چنین اتفاقی رخ نداده است.

3- فریاد خاموشی به بلندای تاریخ

براساس دیدگاه مشهور علمای شیعه و سنی، امام علی(ع) طبق وصیت خود فاطمه زهرا(س) او را شبانه و پنهانی به خاک سپرد و به جز شمار اندکی از یاران نزدیک، کسان دیگری در تشییع جنازه وی حضور نداشتند. گزارشهای معتبر تاریخی نشان می دهد که مسلمانان و اصحاب نامی پیامبر(ص) تمایل زیادی برای شرکت در نماز و تشییع جنازه زهرا(س) داشتند، ولی امام علی(ع) بنا به وصیت دخت گرامی پیامبر(ص) از این کار ممانعت ورزید.

ازجمله بر اساس گزارش منابع حدیثی اهل سنت، امام علی(ع) خلیفه اول را نیز برای اقامه نماز بر پیکر فاطمه(س) و شرکت در مراسم تشییع وی با خبر نساخت و در پاسخ به اعتراض آنان گفت که خواست خود فاطمه(س) چنین بوده است. مسلم و قطعی است که دختر پیامبر(ص) با این کار می خواست ناخوشنودی خود را نسبت به کسانی ابراز دارد که حق وی را غصب کرده و به رغم سفارش اکید پیامبر(ص) اهل بیت او را مورد ظلم و ستم قرار دادند. تشییع و دفن شبانه و پنهانی دختر پیامبر(ص) اعتراض خاموش و رسای آن بانوی گرامی به جریان حاکم و توده های همراه آنان بود و حقانیت و مشروعیت دینی آنان را شدیداً به چالش کشید.

سبب پنهان ساختن و پنهان ماندن قبر فاطمه(س) و اصرار مستمر امامان شیعه(ع) بر آن نیز دقیقاً در همین راستا قابل ارزیابی و تحلیل است. قبر بی نشان فاطمه(س) سند جاودانه و خدشه ناپذیری است که از یک سو حقانیت و مظلومیت فاطمه(ع)، علی(ع) و فرزندان آنان و از سوی دیگر ستمگری و عدم مشروعیت جریان مقابل آنان را برای همیشه تاریخ با صدای خاموش و در عین حال

بسیار رسا فریاد می کند. با این تفاوت که چنین سندی هرگز در گذر ایام از حافظه تاریخ پاک نمی شود و کارایی خود را از دست نمی دهد.

توضیح اینکه حادثه دفن شبانه و مخفیانه فاطمه(س) و جلوگیری از شرکت بسیاری از مردم و یاران پیامبر(ص) در آن، ممکن بود و است به گونه ای توجیه شده و دلایل دیگری برای آن تراشیده شود، چنانکه این توجیهات در لابلای برخی منابع و کتابها دیده می شود. همچنین می توانست به مرور زمان از متن کتابها حذف و به فراموشی سپرده و یا به اشکال گوناگون از ورود آن به حوزه معرفت جمعی و آگاهی عمومی مسلمانان جلوگیری شود.

مطالعه و بررسی تاریخ اسلام به خوبی نشان می دهد که چنین اقداماتی صورت گرفته است، اما بی نشان بودن قبر فاطمه(س) را چه می توان کرد؟ مگر می شود به دروغ قبری برای وی ساخت؟ مگر می توان بی نشانی و گم گشتگی قبر او را از بین برد؟! این مسأله همواره می تواند یک مسلمان آگاه را به چو و چرا واداشته و این پرسش را پدید آورد که پس از رحلت پیامبراسلام(ص) چه حادثه ای رخ داد که دختر رسول خدا(ص) به شدت از اغلب اصحاب پیامبر(ص) و توده های همراه آنان رنجیده خاطر و رویگردان شد، به گونه ای که حاضر نشد آنان حتی در تشییع جنازه وی هم شرکت کنند؟ چرا امام علی(ع) همه آثار قبر وی را از بین برد؟ چرا در دوره های بعد قبر وی را برملا نکردند؟ و چراهای دیگری که پاسخ به آنها بسیاری از حقایق مکتوم تاریخ برملا می سازد.

مسلمانان چرا شب دفن شد صدیقه کبری چرا گم شد نشان قبر آن انسیه حورا

هنوز از رحلت ختم رسل نگذشته ایامی نگین خاتم پیغمبران بشکست واویلا*

*این یادداشت با عنوان بانوی بی نشان توسط حجت الاسلام والمسلمین اسدی عضو هیئت علمی مرکز فرهنگ و معارف قرآن در بررسی علل پنهان ماندن قبر فاطمه زهرا(س) نوشته شده است.